

حقیقت چیز دیگری است

جعفر پویه

مخوف به ظاهر امنیتی است که با همتایان چموش و نقابدارشان، به یکدیگر نان قرض می دهند. هرچه امنیت و آسایش جامعه بیشتر برهم بخورد، بودجه های سرسام آور امنیتی سیر سعودی می گیرد. با بهانه های مختلفی از این دست، توجیه تجاوز به حقوق مردم بیشتر در دسترس قرار می گیرد و بخشی از آنان را نیز با خود همصدا می کند تا بتواند به مقاصد پلید خود جامعه عمل بپوشاند. ترس از تروریست و حضور او در هر مکان ممکن، توجیهی است که جواز عبور ماموران سرکوب می شود. نه تنها همان حداقل آزادی و عمل مردم از جانب اینان به زیر سؤال می رود، بلکه به بهانه تروریسم، کنترل بر همه جوانب سایه می اندازد و شنود تلفن و بازکردن بسته های پستی نه تنها قباحت خود را از دست می دهد، بلکه توجیه پذیر می شود. هرکسی را که نیروهای امنیتی با معیارهای خود ناصالح تشخیص بدهند بازداشت می کنند و بدون هیچ عذری هفته ها و ماهها در بازداشت نگه می دارند و بد رفتاری و شکنجه با آنان را حق خود می انگارند. این یعنی بازپس ستاندن همان حداقل حقوقی که مردم طی سالها مبارزات سیاسی و اجتماعی بدست آورده بودند. اعتراض به این اعمال با انگ همکاری با تروریستها روبرو می شود و اینچنین است که آنها حاکمان مطلق بر جان و مال مردم می شوند و سرنوشت جامعه همچون طنابی یکسرش در دست سازمانهای امنیتی و پلیسی است و سردیگرش در دست همتایان نقابدارشان که سازمانهای مخوف تروریستی اند، قرار می گیرد. این دور باطل آن چنان شدت می گیرد که بهانه جنگ را هم نقابداران به عهده دارند و با برپایی موقعیتهای جدید، گزک به دست دولتهای نظامی می دهند تا شرایط را برای روشن کردن تنور جنگ آماده ببیند و کارخانه های تسلیحاتی تولید کنند و تاوان آن را کسانی بپردازند که هیچ گناهی در این میان مرتکب نشده اند. سازمانهای تروریستی زمان جنگ سرد که ساخته و پرداخته طرفین درگیر در جنگ سرد بود، با اتمام آن کاربردش را از دست نداده، بلکه این روزها به ناهار بازار این دارو دسته های جنایت پیشه نیز تبدیل شده است. بخشی از امپریالیسم که نیاز به یک دشمن را برای بقای خود

در زمان و موقعیتی زندگی می کنیم که شیوه تبادل اطلاعات به طور چشمگیری در پهنه گیتی در حال گسترش است. اکنون دیگر به یمن وجود اینترنت و سیستمهای مختلف ارتباط همگانی، رد و بدل کردن اطلاعات از انحصار سازمانهای کنترل کننده دولتها و مراکز قدرت به در آمده و حضور آنان را کم رنگ کرده است. در این گسترده تلاش افشار مختلف مردم برای علنی کردن و مبادله اطلاعات به دلایل گوناگون قابل بررسی است. گزمه ها و ماموران سانسور از به در و دیوار کوبیدن سر و کله خود راه به جایی نمی برند و با تهدید مردم هر چه بیشتر خود را رسوا می کنند. انواع و اقسام فیلتر و پارزیت و شنود، در مقابل راه حل هایی که به سرعت توسط قشر کوشنده هوادار گردش آزاد اطلاعات عرضه می شود، بی اثر می گردد. تلاش آنان سدهای بازدارنده ای را که توسط سانسورچیها برپا شده است را بی خاصیت می کند و جامعه جهانی در تقابلی ستایش برانگیز به مبارزه ای که برخاسته است، ادامه می دهد. اما آنچه هول انگیز است، شمشیر از رو بسته صاحبان قدرت است که با دریدگی در مقابل چشمهای باز مردمان جنایت می آفریند و با دناعت آن را به دیگران منتسب می کند تا ادامه صدر نشینی خود را به رخ بکشد و به دیگران حالی کند که خیال به زیر آمدن را ندارد. جامعه جهانی که در برزخ عبور از یک موقعیت به موقعیت جدید است، از جانب قدرتمداران با شوکهای مهیب روبرو است تا نتواند با آسودگی از این مرحله گذر کند. بحرانهای ساختگی اقتصادی که گرانیهای سرسام آور را همراه دارد، آنان را در طی طریق کند می کند و جنگ که چیزی جز نابودی و خانه خرابی نیست، بخشی از این مردم را درگیر کرده است، و نعمت برای کارخانه های تسلیحاتی می آفریند. سازمانهای مخوف تروریستی همچون اشباح در هر کوی و برزن در کمین اند و با ستاندن جان بی گناهان، هول و هراس سایه اش را بر خصوصی ترین زوایای زندگی مردم می گستراند، تا آسودگی خیال را از آنان بریاید. بر هم زدن جامعه همچون دیگ آشی شده است که قاشق آن در دست سازمانهای

مردم منطقه خود مبارزه می کنند، مهر تروریست بودنشان پر رنگتر می شود و مرز بین حق طلبی با باج گیری به هم می ریزد تا دست سرکوبگران هرچه بیشتر باز باشد و در کشتار و نابودی مبارزان پاپوش تروریست هرچه بهتر عمل کند. دیگر صدای کسی که در زیر شلاق و آپولو و قیانی قرار دارد، به گوش انسان دوستان نخواهد رسید و عفریت مرگ که از جام این جانپان سرمست است، در خانه هر مبارزی و حق طلبی به بدمستی می پردازد. صف مبارزه انسانی ما برای حقوق حداقل مردمی که در چنگال آدمکشان اسپرند را این نامردمان با آدمکشی به هم ریخته اند. هدف ما از مبارزه رفاه و آسایش مردم است. خواست همه مبارزین صلح، عشق و دوستی است. آدمکشان حرفه ای و دمخوران دیروزین سازمانهای عریض و طویل جاسوسی و ضد جاسوسی در این میانه آب را برای همپالکی هایشان که در قدرت هستند، گل آلود می کنند تا آنان به ماهیگیری بپردازند. هشیارانه باید آنان را افشا کرد و هدف آنان از کشتار مردم بیگناه را که توجیه کننده جنگ و کشتار است را باید برای مردم توضیح داد. باید گفت که مبارزه ترور نیست، باید گفت که هدف از مبارزه مسلحانه قتل و کشتار نیست. باید توضیح داد که، صلح و دوستی هدف مبارزین است و قتل و کشتار شغل تروریست ها. صاحبان قدرت حق ندارند تا دست عده ای جانی و قاتل را در کشتار مردم باز بگذارند و در ازای آن کمر به نابودی سازمانهای ترقیخواه ببندند. سازمانهای امنیتی و تروریستها، لازم و ملزوم یکدیگرند. در حالی که هدف مبارزین برچیدن بساط شیطانی است که با انواع بهانه ها به قتل و غارت مردم بیگناه می پردازند. عرصه مبارزه گونه گون است و از شاهراه ارتباطات باید حداکثر استفاده را برای افشای آدمخواران برد و فرق دوغ و دوشاب را به خوبی مشخص کرد. شاید بتوانند مردم را چند روزی با حيله و فریب گول بزنند ولی نمی توانند برای همیشه حقیقت را پنهان کنند. در تنور جنگ می دمند، دوستی، عشق و رفاقت را با کینه، نفرت و وحشت از تروریست، از خیابانها جارو می کنند. برای بازگرداندن آنها به جای خویش و همه گیر کردن مهر، بکوشیم. هرکوشی در این راه نامش مبارزه است، پرحلاکت تر پای براه نهیم و همدوش یکدیگر فردا را از آن خود کنیم.

ضروری می دانند، از آنها غولی می سازد در اندازه هایی باور نکردنی که برای مقابله با آنها نه تنها ارتشهای تا دندان مسلح کفایت نمی کند، بلکه نیاز به یک یکسری دم و دستگاههای عریض و طویل را نیز ضروری می نمایند. این دشمنان فرضی آنچنان در مواقع لزوم دست به عمل می زنند که بین دوست یا دشمن شمردن آنان باید به طور جدی شک کرد. هنگامی بازار بورس نفت رو به پایین میل می کند وارد عمل می شوند، و در عرض چند ساعت منافع غارت کنندگان را به چندین برابر تبدیل می کنند. اگر در یک همه پرسی مشخص شود که شاخص به جانب دیگری خلاف میل حاکمان میل کرده باشد. مسیر آنرا به سرعت اصلاح می کنند. به زبانی دیگر این دارو دسته های نقابدار اند که کنترل بازارهای بورس و فعل و انفعالات تولید را در دست دارند و سرنوشت جامعه انسانی به دست کسانی افتاده است که به جز شقاوت و بیرحمی تصور دیگری از آنان در دست نیست و با استفاده از تمامی امکانات موجود به شلتاق مشغولند. تخم کینه می پراکنند و جهانی که باید به سوی آسایش، آرامش، صلح و دوستی میل کند، در ترس و وحشت از یک طرف و بدگمانی و سوء ظن به همنوع از طرف دیگر شتاب می گیرد. در یکی از بیسابقه ترین عملکردهای این جانپان، در روسیه، عده ای در روز اول مدرسه، دانش آموزان و معلمان و اولیای کودکانی که در محل مدرسه حاضر بودند را به گروگان گرفتند. بر خلاف همه موازین انسانی این جانپان آب و غذا را از کودکان دریغ کردند و از ابتدای کار نشان دادند که هدف آنان از این عمل نه تبلیغ برای هدفی و یا باج خواهی و گردنکشی به شیوه معلوف است. بلکه آمده اند تا همچون یازده سپتامبر کذایی کاری کنند تا هراس از آنان فراموش نشود. اینان کودکان را هدف قرار دادند تا به همه اثبات کنند که شقاوت آنان مرزی نمی شناسد. تا در سراسر جهان مردم بدانند که دشمنی که هر روزه از آن دم می زنند جدی است و برای مقابله با آن باید آماده بود. پس از حمام خون این جانپان، در ایالات متحده آمریکا، آرای دموکراتها که از جمهوری خواهان پیش افتاده بود، نزول می کند و جنگ طلبان دوباره به صدر جدول باز می گردند. عدم همکاری دولت روسیه در مبارزه با تروریست با آمریکا تقبیح می شود و مردم از ترس این مارها به اژدها پناه می برند. سازمانها و جریانهای مبارزی که در کنار گوشه جهان برای حقوق